



31 آگست 2015

داکتر سید عبدالله کاظم

نگاهی به عروج وافول ستاره اقبال عبدالملک عبدالرحیمزی

(این نوشته در چهار قسمت تقدیم میشود)

(قسمت چهارم)

چگونگی باز داشت و حبس ملک خان و دیگر متهمان :

این موضوع را در هیچ اثر دیگر با این جزئیات نخوانده ام که شخصی بنام "الف. هارون" که به گمان اغلب اسم مستعار خواهد بود، به قید قلم آورده و در کتاب خود "داؤد خان - در چنگال ک.ج.ب." منعکس ساخته است. او می نویسد: «عبدالملک در وهله اول در منزلش واقع در شیرشاه مینه (کارته چهار) تحت نظارت قرار داده شد. برادرانش عبدالرحمن رئیس شرکت "سپین غر" و عبدالله قوماندان خاندوی فاریاب، مشهور به عبدالله ترافیک با متهمین دیگر قبلاً محبوس گردیده بودند.»

او علاوه میکند که: «سه روز قبل از عید، در سرویس ساعت هشت اخبار مهم، خبر کودتای عبدالملک و خلیل به کمک یک کشور بیگانه از رادیو پخش گردید. عبدالله ملکیار والی هرات بعوض ملک خان به حیث وزیر مالیه و جنرال عبدالغفار بعوض خلیل مقرر گردیدند. اسم کودتا در کشور ما یک کلمه تازه بود و توطئه با مهارت خاصی ترتیب گردیده بود. مردم آنرا باور میکردند. در کوچه و بازار این شایعه و آوازه پخش گردید که گویا همسایه شمالی - روسیه در خنثی سازی کودتا به حکومت افغانستان کمک کرده است. از آن پس پادشاه در مسجد جامع عیدگاه نماز نخواند، بلکه نمازهای عید را همواره در مسجد ارگ اداء میکرد.»

هارون می نگارد: «دو هفته بعد، ملک خان در تاریکی شب و تحت تدابیر شدید امنیتی توسط میر عبدالعزیز والی کابل [طویکه قبلاً تذکر رفت، داکتر حقیقتناس، جنرال محمد رسول خان (رسول جان) رئیس ضبط احوالات وقت را مؤظف اینکار میدانند که به ارتباط وظیفه و نیز اعتماد میتوان ادعای حقیقتناس را قرین به واقعیت دانست] به بهانه ملاقات با داؤد خان، بگونه از منزل بیرون کشیده شد که قرآن مجید را سخت برسینه خود گرفته بود. وی در منزل سردار احمد شاه خان وزیر اسبق دربار که در نزدیکی صدارت واقع بود و از قبل به همین منظور در نظر گرفته شده بود، محبوس گردانیده شد. درین ساختمان یک اطاق و پسخانه عقبی آن برای وزیر اختصاص یافت. از آنجائیکه ظفر [مهدی] هنوز نوجوان بود، دور از سائر محبوسین در یک اطاق مجزا قرار داده شده بود. اسم و جرم محبوسین بر کسی آشکار نبود. پهره داران مؤظف صرفاً از روی شماره اطاق آنان را می شناختند. برای هر یک از آنان علاوه بر پهره داران عادی، مامورین خاص امنیتی نیز مؤظف شده بودند. پهره داران حق نداشتند با محبوسین صحبت کنند. تحقیقات بشدت و بیرحمی با لت و کوب جریان داشت. در ارتباط با آنان، بعضی از اعضای خانواده های شان نیز تحت نظارت قرار داشتند. دارائی بعضی ها ضبط گردید. شرکت سپین غر که رئیس آن عبدالرحمن برادر ملک خان بود، منحل گردانیده شد و سرمایه اش ضبط شد. فرزندان خانواده عبدالرحیمزی از مکاتب اخراج گردیدند. از طرف رژیم در عقب منزل عبدالملک واقع در شیرشاه مینه (کارته

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پادونه: دلیکنی د لیکنیزی بڼې پاروالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په څیر و لولۍ

چهار) منزلی به کرایه گرفته شد تا اعضای خانواده وی را 24 ساعت از نزدیک تحت مراقبت داشته باشند. فشار و مخالفت حکومت به منزل وی نیز سرایت کرد. تلاش صورت می‌گرفت که وزیر را وادار سازند همسر شغنائی اش را طلاق دهد. این زن را محمد خان مستوفی بدخشان در زمان وزارت ملک خان برایش خواستگاری کرده بود. وزیر نپذیرفت. دختر نامبرده و باوصف آنکه جوان بود، به رضایت خودش تا آخر در همان منزل باقی ماند.»

هارون از قول شخصی با نام مخفف "عین" می‌نویسد: «که ازین افراد، صرفاً عبدالملک تحت شکنجه قرار نگرفت، اما فحش و دشنامی را که در جریان تحقیق سیدعبدالله خان وزیر داخله به او گفته بود، تا آخر عمر بیاد داشت. غذا و لباس اش مناسب بود. اکثراً لباس دوخته شده از تکه شری به تن میداشت. ریش گذاشته و دستاری سفید می بست و وقتش را به تلاوت کلام الله شریف می‌گذرانید. 17 - 18 پاره آنرا حفظ کرده بود. حوصله اش کافی بود. شکایت نمی‌کرد. حاضر نمیشد با هر مامور موظف صحبت کند. مصروف نوشتن یادداشتها می بود. به صحتمندی اش توجه داشت. نماز را سروقت ادا میکرد. به جمناسک [ادمان آزاد] می پرداخت. اعصابش آرام بود و قد رسایش را تا آخر حفظ کرد. در دوره اخیر سلطنت دیموکراسی، نوشته هایش در جریده "افغان ملت" بچاپ میرسید و بروی دیواری از محبس برای خود تقویمی ترسیم کرده بود که آنرا مورد استفاده قرار میداد. روزها، ماهها و سالها را بیاد داشت.»

هارون می‌افزاید: «عبدالملک خود را دوست وفادار داؤد خان میخواند. از وی بدگویی نمی‌کرد. رقابتهای داخلی را عامل زندانی شدن خود میخواند. در اواخر دوره حبس گاهگاهی گمان میبرد که مسافرتش به امریکا عامل تخریب وی گردیده باشد. می‌گفت که وقتی که جهت جلب کمک برای اجرای یک طرح انکشافی دولت به امریکا سفر کرد، استقبال گرمی از وی بعمل آمده و با بعضی از رهبران دولتی نیز ملاقات کرد. می‌گفت در قصری که اقامت داشت، از لحاظ زینت و زیبایی آنقدر شیک نبود. اما امریکائیان مهمانان خاص و مهم را در آنجا اقامت میدادند. معتقد بود که ممکن است گزارش جریان این مسافرت با تعبیری منفی به کابل داده شده باشد. ضمناً به ک. ج. ب. در رابطه با یک ارتباط دور، نیز اشاره میکرد. از نتایج مسافرتش راضی بود. دولت امریکا کمکهای زیادی به او وعده کرد. وقتی از سفر به امریکا عودت کرد، بالافاصله تحت تعقیب و مراقبت شدید قرار داده شد.»

هارون می‌نگارد که عبدالملک خان: «در پایان دوره اول حاکمیت داؤد یعنی در عصر دیموکراسی سلطنتی خواستار اجرای عدالت گردید. تقاضای کرد در ستره محکمه، محاکمه شود. کسی به خواسته اش توجهی نکرد. در دوره ده ساله دیموکراسی بازهم در حبس نگه داشته شد. ولسی جرگه نیز به موضوع توجهی نکرد. داؤد در دوره دوم حاکمیتش نیز وی را رها نکرد. عبدالملک تا اواخر اتهام را رد کرده خود را بیگناه میخواند. لذا به اصطلاح "توبه نامه" را امضا نکرد. از نظر وی نوشتن توبه نامه خود سند ارتکاب جرم بشمار میرفت. تحقیقات وقت زیادی را دربر گرفت. ولی سند و مدرکی بدست نیامد. پس از استعفی داؤد، سائرمتهمین این فقره آزاد شدند، اما وزیر عبدالملک به بخش قلعه جدید محبس بریکوت [مشهور به زندان "دهم‌زنگ"] منتقل گردید. مقداری تسهیلات در اختیارش قرار داده شد و از آزادی نسبی برخوردار گردید. به اشاره پادشاه به منظور تسکین آلام و جبران مصائب وارده، بعضی از افراد این فقره دوباره به کار گمارده شدند. خلیل [قوماندان اسبق فرقه هشت اردو] به حیث رئیس مرستون و تورن عبدالرحیم چینزانی مدیر قبلی قلم مخصوص وزارت مالیه که ملک خان ویرا با خود از اردو آورده بود، بحیث رئیس کارخانه جنگل مقرر شد. برای مهدی ظفر فرصت تحصیل فراهم گردید. از پوهنخی حقوق پوهنتون کابل فارغ شد و در ستره محکمه مقرر گردید. وی در دوره کمونیستان به شهادت رسید. عبدالله (عبدالله ترافیک) در دوران ریاست جمهوری داؤد به حیث رئیس تقنینی در وزارت مالیه مقرر گردید. اطاق کارش را مزین به تصاویر داؤد گردانیده در وفاداری نسبت به او افراط میکرد. عوض علی کلاهدوز و حاجی عادل شاه نیز از حبس رها گردیدند که اخیر الذکر توانست سرمایه مصادره گردیده خود را دوباره بدست آورد. اما عبد الملک حتی در دوره کمونیستان نیز محبوس باقی ماند. کارمل در هنگام عفو عمومی نیز اراده رهائی ویرا نداشت. تا اینکه پس از 23 سال حبس در اثر مداخله سازمانهای جهانی حقوق بشر

د پانو شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزی بڼي پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په څیر و لولئ

یعنی عفو بین المللی از بند رها گردید. عبدالملک تا زمان مرگ نیز درد وطن را با خود همراه داشت. وی دست به تلاشهای زد که هدف از آن نجات وطن از چنگال متجاوزین روس بود.»

هارون می نویسد: «درین توطئه طرح شده توسط ک. ج. ب. هیچگونه سند دال بر اثبات جرم بدست حکومت نیفتاد و علی الرغم اعمال مهارت [تلاش] زیاد، نقاط ضعف زیادی در آن وجود داشت. به نقش صاحب منصبان پایان رتبه با سائر صاحب منصبان هیچ گونه اشاره ای صورت نگرفته بود. درحالیکه کودتای 26 سرطان و هفتم ثور نشان دادند که خورد ضابطان یا صاحب منصبان پایان رتبه دارای نقش زیادی در آنها بودند، زیرا در راس قطعات قرار داشتند. توطئه روسی موفق شد. داؤد همکار خوبی را از دست داد. مصاب به بی اعتمادی شد و مصروف خود گردید. از جانب امریکائیان تشویب داشت. درحالیکه در آنزمان اکثر کودتا ها دارای تمایلات چپی بوده و مورد حمایت روسها قرار داشتند، مثلاً در مصر، عراق، سوریه و یمن. کسی که در این توطئه نقش مستقیم داشت و اولین گزارش را داد، بعداً از اردو طرد گردیده و در محبس بریکوت [دهمزننگ] دیده می شد. محبوسین جرم ویرا سیاسی یعنی جاسوسی میخواندند.» (مأخذ شماره 13، صفحه 256 تا 258)

«ملک خان سالیان دراز در زندان بسر برد، اما گاهی که به او اجازه خروج داده میشد، وی امتناع ورزیده تقاضا داشت تا جرمش معلوم و دلیل زندانی شدنش واضح گردد. بالاخره کودتای 7 ثور 1357 (1978) بعمل آمد. رژیم کمونیستی روی کار شد و موصوف از حبس خارج گردید. رهائی ملک خان موجب خوشنودی دوستان و علاقمندان او گردید. برای دیدن او پیهم نزدش میرفتند. دستگاه حاکمه رفت و شد مردم را در منزلش تحمل نتوانسته مجدداً او را محبوس نمودند، اما پس از مدتی او را تحت بعضی شرایط و قیود رها کردند. متأسفانه چندی بعد مریض گردیده در شفاخانه وزیر محمد اکبر خان بستری شد. عارضه او درد مزمن از ناحیه گرده بود که در دوران زندان دهمزننگ او را رنج میداد، و در اینوقت عارضه مذکور کسب و خامت کرده بود که به اثر آن وفات یافت و این سخن نیز گفته شد که داکترهای کمونیست امپول مهلکی به او تزریق نمودند. [الغیب عندالله] (مأخذ شماره 13 - صفحه 231)

هارون در پایان این بحث می افزاید: «انسان از نقایص خالی نیست و هر شخص نکات ضعیفی هم دارد که ملک خان نیز از آن میرا نبود، اما شک نیست که آن جنرال ماجراجو، یک شخص دیندار، نماز خوان، پاک نفس و خدمتگار صادق وطن خود بود که تهمت توطئه و دسیسه که گفته شد در حق او صدق نمیکند. روانش شاد.» [آمین]

خلاصه و نتیجه:

در کتاب های قدیم دری سالها قبل معمول بود که در پایان هر حکایت عبرت انگیز این عبارت را می نوشتند: «این حکایت بما تعلیم میدهد که...»، اکنون به همین شیوه حکایتی را که در این مبحث خواندیم، نتیجه آنرا می گذاریم به برداشتها و قضاوت هر خواننده، ولی مسلم است که با مرور دقیق آن اقلأ به این نتیجه خواهیم رسید که انگیزه ها و دلائل مختلف اعم از داخلی و خارجی و همچنان خصوصیات شخصی و خانوادگی عبدالملک خان عبدالرحیمزی وزیر مالیه مستقیم و یا غیرمستقیم در برکناری و زندانی شدنش نقش داشته اند. این نکته نیز واضح میگردد که داؤد خان تا حد توان در طول سالها از ملک خان در مقابل مخالفانش دفاع کرده و حتی موقعیکه بین محمد عارف خان وزیر دفاع و ملک خان وزیر مالیه یعنی دو دوست و همکار نزدیکش اختلاف نظر پیدا شد، محمد داؤد خان از ملک خان حمایت کرد و استعفی عارف خان را قبول نمود. ولی سرانجام فشار ها چه از طریق تفتین و توطئه و چه استوار بر بعضی حقایق، داؤد خان را در موقفی قرار داد که مجبور شد ملک خان را از مقام براندازد و سپس زندانی کند. شاید کمتر کسی تاحال فکر کرده باشد که نقش اعلیحضرت محمد ظاهر شاه و اطرافیان شان در آوردن فشار بر داؤد خان اثر جدی داشته است. تا ملک خان را به نحوی از اریکه قدرت پائین کند و گوشه نشین سازد تا دیگر کسی به سراغش نرود. واضح است که سفر امریکا و پذیرائی شاندار او از طرف مقامات امریکائی از یک طرف و رقابت ها بین امریکا و شوروی و دلسردی داؤد خان از امریکا از طرف دیگر و بهره برداری شوروی از این وضع، در پهلوی عوامل و

د پانو شمیره: له 3 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پاروالي د لیکوال په غاره ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولئ

دلایل دیگر در عزل و بعداً حبس ملک خان تأثیر بارز داشت و به تیر همه مخالفان ملک خان دسته داد تا شاه نیز باوجود حمایت های اولی، بر او مظنون گردد و موجودیت همچو شخص را برای آینده نظام مایه نگرانی جدی بداند و با بهانه ای ناشی از همین خطر یعنی کودتا بر داؤد خان فشار بیاورد تا او را عزل کند. کسانی که حالا این مسائل را از دریچه ارزش ها و معیار های امروزی می بینند و از "حقوق بشر" و غیره صحبت میکنند، باید این نکته را در نظر داشته باشند که در سالهای 1950 این معیار ها حتی در کشور های غربی و متمدن آن عصر چندان رعایت نمیگردید، چه رسد به کشورهای دیگر و خاصاً افغانستان. بار ها به این موضوع تأکید صورت گرفته که محقق قضایای تاریخی وقتی میتواند با قضاوت سالم به بررسی مسائل بپردازد که نخست خودش را در اوضاع و احوال آن دوره یا عصری قرار دهد و رویداد ها را که به وقوع پیوسته اند، با شرایط عینی و ذهنی حاکم در آنجا و در آنوقت در نظر گیرد. نمیتوان یک میوه شریں را از آغاز فصل بهار توقع داشت، زیرا گرمای تابستان است که میوه را در درخت شریں می سازد.

(پایان مقاله)

فهرست مأخذ:

- 1 - آدامک، لودویگ: قاموش شخصیت های معاصر افغانستان، گراز - آستریا، 1987
Adamec, Ludwig W.: A Biographical Dictionary of Contemporary Afghanistan, Graz - Austria. 1987
- 2 - پوهنیار، سید مسعود: ظهور مشروطیت و قربانیان استبداد در افغانستان، جلد اول و دوم، مرکز نشراتی میوند، پشاور، 1376،
- 3 - اکرم، داکتر عاصم: نگاهی به شخصیت، نظریات و سیاست های سردار محمد داؤد، انتشارات میزان، امریکا، 1380،
- 4 - ابوی، جنرال محمد زکریا: مقاله "داؤد خان و اردو"، منتشره مجله "نامه خراسان"، کالیفورنیا، از جون 1990 تا جولای 1992، از شماره های 4 تا 13 بطور مسلسل (نقاط مهم این نوشته در مقاله از این قلم تحت عنوان "داؤد خان و اردو - حقایق برگرفته از نوشته ای یک جنرال افغان"، در چهار قسمت در پورتال "افغان جرمن آنلاین"، مورخ 2 تا 5 اگست 2015 به نشر رسیده است)
- 5 - غفوری، عبدالرحیم: مقاله "عبدالملک عبدالرحیمزی کی بود، چه میخواست و چطور به شهادت رسید؟"، قسمت اول، منتشره مجله "آئینه افغانستان"، کالیفورنیا، شماره 17، مورخ جولای - اگست 1991،
- 6 - غفوری، ع.ر.: همان مقاله...، قسمت دوم، "آئینه افغانستان"، شماره 20، مورخ اکتوبر - نوامبر 1991،
- 7 - غفوری، ع.ر.: همان مقاله...، قسمت سوم، "آئینه افغانستان"، شماره 21 - 22، مورخ دسمبر - جنوری 1991 - 1992،
- 8 - غفوری، ع.ر.: همان مقاله...، قسمت چهارم، "آئینه افغانستان"، شماره 26، مورخ جون - جولای 1992،
- 9 - رشتیا، سید قاسم "خاطرات سیاسی 1311 (1932) تا 1371 (1992)"، ویرجینیا - امریکا، چاپ اول، 1997
- 10 - پولادا، لیون: مقاله "افغانستان و ایالات متحده: سالهای دشوار"، منتشره: ژورنال شرق میانه، بهار 1981؛ ترجمه آن بطور مکمل درج مقاله "آیا اغماض امریکا موجب شد تا افغانستان در دام شوروی افتد؟" از این قلم در پورتال "افغان جرمن آنلاین"، از 4 تا 6 دسمبر 2014 در سه بخش نشر گردیده است،
- 11 - فرهنگ، میر محمد صدیق: "افغانستان در پنج قرن اخیر"، چاپ پشاور، سال طبع 1373،
- 12 - حشمناس، داکتر ش. نصیر: "دسایس و جنایات روس در افغانستان از امیر دوست محمد تا ببرک"، چاپ دوم با تجدید نظر کلی و اضافات، پاکستان، 1368،

د پانو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پاروالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په څیر و لولۍ

- 13 - هارون، الف: "داؤد خان در جنگال ك.ج.ب.", ترجمه از پشتو: حامد، ؟، پشاور، موسسه نشراتی میوند، چاپ دوم، 1379
- 14 - کبیر سراج، دگر جنرال محمد نذیر: "رویداد های نیمه اخیر سده بیست در افغانستان"، فرانکفورت - جرمنی، چاپ اول، 1997
- 15 - مبارز، عبدالحمید: "تحلیل واقعات سیاسی افغانستان 1919 - 1996"، پشاور، 1375

د پانو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاره ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ